



سی و هشتمین
جشنواره بین‌المللی
تئاتر فجر
International
Theatrical
Festival

جشنواره | ۹۸ | ۱۱ | ۱۴ |

ایران



جشنواره تئاتر فجر باید غیر رقابتی بشود

اصغر نوری در گفت‌وگو با «ایران» از نمایش «ستاره شناس» و چیزهای دیگر می‌گوید

نمایشنامه‌نویسی محبوب نمایشنامه‌نویسی منحوس

جایگاه نمایشنامه‌های ایرانی در جشنواره تئاتر فجر چگونه است؟

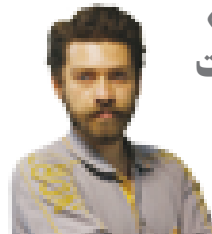
هیچ کس ما را نمی‌بیند

با عمادالدین رجب‌لو درباره نمایش «متساوی الساقین»

اوهام

خانواده‌ای مهاجر را می‌بلعد

درباره نمایش «بیگانه در خانه»
به کارگردانی سید محمد مساوات



نوشته سید حسین رسولی

نمایش «بیگانه در خانه» به نویسندگی و کارگردانی سید محمد مساوات و بازی رومینا مؤمنی، محمد علی محمدی، علی حافظ پور و نوید محمدزاده یکی از مهم‌ترین کارهای سی و هشتمین جشنواره تئاتر فجر است. مساوات در این سال‌ها بخوبی تبدیل به کارگردانی تأثیرگذار و مهم در تئاتر ایران شده است و شاهدیم که گروه‌های جوان‌تر از شیوه اجرایی او تقلید می‌کنند.

سید محمد مساوات پیش‌تر نمایش‌هایی نظیر «این یک پیپ نیست»، «قرب آن گاه»، «بی پدر»، «خانه‌واده»، «یافت آبا»، «بیضایی» و... را اجرا کرده است. او در هر کدام از کارهایش به هویت، زمان و زبان توجه ویژه دارد؛ البته از نشانه‌های مهم کارهای مساوات می‌توان به تجربه‌گرایی، سبک‌گرایی، به هم

ریختن ژانرها و درهم آمیزی شیوه‌های اجرایی مختلف اشاره کرد که باعث می‌شود برجسب کارگردان پست مدرن را به او بزنند. این کارگردان کارهایی بشدت فرمالیستی دارد تا کارهایی کاملاً ناتورالیستی که نشان می‌دهد دغدغه او وابسته به امکانات تئاتر است. نمایش «بیگانه در خانه» از مسائل اجتماعی دور نیست زیرا هم به مهاجرت می‌پردازد و هم به خانواده. مفهوم اصلی این نمایش «از خودبیگانگی» است. کارگردان بخوبی زن و مردی بیگانه را نشان می‌دهد که در آلمان زندگی می‌کنند. این دو هیچ شناختی از هم ندارند. سپس شخصیت‌هایی بشدت بیگانه در خانه آنان رفت و آمد می‌کنند مثلاً مردی فیلمبردار از جایی در خانه وارد می‌شود و از زندگی زن و مرد تصویر می‌گیرد و این تصویر بر پرده نمایش بزرگی در برابر تماشاگر قرار می‌گیرد.

پیرزنی هم در همسایگی زن و مرد زندگی می‌کند که مدام به خانه آنان سرک می‌کشد و نسبت به زوج جوان بیگانه است. کارگردان به شخصیت و نام خودش هم در اجرا اشاره می‌کند که ما را یاد کارهای آلفرد هیچکاک در سینما می‌اندازد. مساوات با این کار شاید می‌خواهد بگوید که تماشاگر هم نسبت به کارهای او بیگانه است. داستان از جایی شروع می‌شود و آنچنان پیش می‌رود که مدام نسبت به اتفاق‌های قبلی احساس بیگانگی می‌کنیم. دکور و طراحی لباس چشمگیر است. همه چیز در خدمت محتوا و فرم است. کار بازیگران تر و تمیز است ولی روایت هیچ منطقی ندارد. انگار شاهد فضایی سوررئالیستی هستیم. خرده‌روایت‌های فراوانی هم در نمایش شکل می‌گیرد مثلاً پیرزن دنبال شوهر خود است و زن و مرد جوان هم درگیر یک شخصیت دیگر مجازی هستند که به زن پیام می‌دهد. ترکیب سینما و تئاتر هم جالب توجه است. مساوات تلاش می‌کند حیاط بیرونی خانه را در برابر تماشاگر بسازد و بخش‌های داخلی منزل را از طریق دوربین فیلمبرداری نشان بدهد. گویا سینما تبدیل به ابزاری ویژه شده و حتی بر تئاتر غالب شده است. البته توجه به فرم و تکنیک در این نمایش به چشم می‌آید. کارگردان تلاش می‌کند قدرت خود را در فرم نشان بدهد و از پرسش‌هایی که در محتوای کار مطرح کرده فرار می‌کند. مهم‌ترین اشکال این اجرا نداشتن لحن و انسجام است. ژانر و سبک کار مدام تغییر می‌کند و حتی در برخی مواقع شاهد فضایی کمیک هستیم. ■



در حال و هوای مدرسه

درباره نمایش «است»
به کارگردانی پرنیا شمس



نوشته محمد حسن خدایی

نمایش تحسین شده «است» را می‌توان روایتی کمابیش نابهنگام از دوران مدرسه فرض کرد. دانش‌آموزانی که در آستانه بلوغ جسمی و فکری، تحت آموزش مدرسه قرار دارند و برای ساختن آینده خویش تلاش می‌کنند و ناگهان با ورود عضوی جدید، با ساحت تازه‌ای از عاملیت و کنش‌ورزی اخلاق مدارانه روبه‌رو می‌شوند. روایت «است» در یک مدرسه غیرانتفاعی اتفاق می‌افتد که می‌دانیم اغلب جایگاه دانش‌آموزانی از طبقه برخوردار جامعه است، اما اینجا هم کمابیش همان مناسبات جاری و ساری مدارس دولتی و کلتی تحت عنوان جامعه برقرار است. مناسباتی که گویی قبل از این مورد وفاق دانش‌آموزان و کادر آموزشی و مدیریتی مدرسه بوده و حال با ورود یک غریبه دچار پرسش و بحران شده. ماجرا در رابطه با دختر دانش‌آموزی است اهل رشت که در میانه سال تحصیلی به تهران مهاجرت کرده و حال با ثبت‌نام در دبیرستان دخترانه، وضعیت باثبات و تا حدی کسالت‌بار مدرسه را دستخوش تغییر و تحول می‌کند. در مقابل مدیران و معلمان برای حفظ نظم، از خود واکنش نشان داده و نظارت بر دانش‌آموزان را با نصب دوربین و پرسش و پاسخ مکرر از آنان، تقویت می‌کنند. این مسأله موجب ایجاد فضایی پر از شک و سوءظن در میان دانش‌آموزان شده و روابط تحصیلی را پر فراز و نشیب می‌کند. مشکل پیش آمده در نهایت با اخراج دانش‌آموزی که بر سر باور خویش است و تن به نظام اخلاقی مدیران مدرسه نمی‌دهد به شکل موقت رفع و رجوع می‌شود.

پرنیا شمس در مقام نویسنده و کارگردان، شیوه اجرایی خلاقانه‌ای را به کار گرفته تا تماشاگران از انفعال خارج شوند. در طول اجرا فقط بدن و بیان دانش‌آموزان قابل رؤیت است و با آنکه مدیران و معلمان حضور دارند، اما هیچ‌کدام دیده یا شنیده نمی‌شوند. اینگونه تن معلم و مدیر یعنی مرجع اقتدار و نظم، بی‌آنکه بازنمایی شود، گویی همیشه حاضر است و اوضاع را زیر نظر دارد. غیاب بدن و بیان مدیر و معلم، واکنشی که دانش‌آموزان به گفتار و رفتار آنان نشان می‌دهند، وضعیت متناقض‌نما ایجاد کرده که در نهایت تماشاگران را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد؛ چراکه طراحی صحنه چنان است که وقتی هر کدام از دانش‌آموزان به دفتر مدرسه فراخوانده می‌شوند تا در رابطه با وضعیت پیش آمده توضیح دهند، به نوعی رو به تماشاگران ایستاده و با اضطراب پاسخ ابهامات مطرح شده را بیان می‌کنند. دانش‌آموزان به پرسش‌هایی جواب می‌دهند که مانند تن معلم و مدیر، حذف شده‌اند. بنابراین تماشاگران به لحاظ حسی، هنگام شنیدن پاسخ‌های دانش‌آموزان خود را در جایگاه پرسش‌گر می‌یابند و با اندکی تخیل حدس می‌زنند که مسأله چیست. نسبت اجرا با تماشاگران، توأمان ترکیبی است از اقتدار و وجدان معذب. تماشاگر دیگر به اعتبار اینکه پولی پرداخت کرده و بلیتی تهیه نموده، نمی‌تواند بر جایگاه امن خویش لم داده و منفعلانه از تماشای یک اجرا لذت ببرد، یا تماشاگه‌دوستانه با پرسشگران همذات‌پنداری می‌کند و در دل بر خط و خطای دانش‌آموزان دخترانه می‌زند یا گرفتار وجدان معذب شده و شرم می‌کند. نمایش «است» از دل تئاتر دانشجویی سربرآورده و نگاهی انتقادی به مناسبات دوران مدرسه دارد. اجرایی مسأله‌مند و از قضا تماشایی. ■



چرا ملودرام دوست داریم؟

درباره نمایش «تالاب هشیلان»
به کارگردانی نوشین تبریزی



نوشته احسان زیور عالم

داستان تالاب هشیلان چندان پیچیده نیست. یک داستان ساده و خطی است که مخاطب دنبالش می‌کند. در همان لحظه نخست دختر به پسر خاله‌اش ابراز علاقه می‌کند. کمی گریه می‌کند، پسر کمی درهم می‌شکند و آغاز. صحنه روشن می‌شود و یک خانواده نمونه روبه‌روی شما ظاهر می‌شود. یک پدر بزرگ در صدر مجلس، پدر و مادری با همان ویژگی‌های همیشگی، یک برادر و خواهر در آستانه سی سالگی با مشکلات عدیده نسل سوخته و یک پسر خاله تودار که می‌فهمیم پدر و مادرش را از دست داده و با دیگر افراد در خانه قدیمی پدر بزرگ ساکن است.

دکور نمایش هم شبیه یک خانه معمولی است و چون این روزها ساخت یک نمایش هزینه‌بر است، به قرینه مُثُل ذهنی ما، چیزهایی از آن حذف شده است. مثلاً در در کار نیست و دیوار به همان دیوار انتهای صحنه ختم می‌شود. به عبارتی از خیلی چیزها فاکتور گرفته می‌شود، بدون آنکه به اصل ماجرا آسیبی بخورد. همین دکور نزدیک به واقعیت - حتی واقعیت اقتصادی - مخاطب را به نوعی نزدیکی با اثر سوق می‌دهد. در این میان هم بازی‌ها قرار است صمیمانه باشد. همین که نوشین تبریزی در نقش مادر مدام می‌خواهد خود را اصطلاحاً شبیه به یک مادر در آستانه شصت سالگی نشان دهد که حرص می‌خورد، نق می‌زند، از گذشته می‌نالد و به حال بد و بیراه می‌گوید و سرش در کار همه هست، نشان می‌دهد تلاش رسیدن به همان انگاره‌های ذهنی ما از یک خانواده ایرانی معمولی است؛ همه چیز اصطلاحاً تیبیکال است.

ملودرام ژانری است که خیلی‌ها دوستش ندارند و آن را به سطح و عوام‌زده می‌دانند. می‌گویند ملودرام واجد آن مؤلفه‌های مشهور برای اجرای تئاتری است، مثلاً با خودش اندیشه‌ای حمل نمی‌کند. همانند تراژدی یک فاجعه انسانی را به تصویر نمی‌کشد و چون کم‌دی زخم بر تن مشکلات نمی‌زند. ملودرام به معنای واقعی کلمه خاله‌زنکی است. نوعی فضولی در زندگی قهرمانانش هست. ملودرام سنت و عادت طبقه متوسطی شده است که می‌خواهد کالای فرهنگی مصرف کند؛ اما حال آن را ندارد که با دلوز و فوکو به ماجرا نگاه کند.

ملودرام خودش را بیش از اندازه به دام مخاطب می‌اندازد؛ تا جایی که او دوستش داشته باشد. از همین رو است که عموم ملودرام‌ها درگیر اروتیسم می‌شوند و مسائل جنسی را مدنظر قرار می‌دهند. نوشین تبریزی از همه مؤلفه‌هایی که بیان شد بهره می‌برد. او هم در جایی ما را به سمت نوعی نکته جنسی سوق می‌دهد؛ ماجرای تجاوز. هر چند تا حد ممکن آن را نامفهوم و ناخوانا ارائه می‌دهد تا کسی نفهمد واقعاً چه شده است. چند عشق مخصوص مجلات زرد هم این وسط خودنمایی می‌کند که البته با بن‌مایه‌های اجتماعی روز آغشته شده است. همه چیز به گفت‌وگوهای ساده تقلیل می‌یابد و همه تلاش گروه محدود به احساساتی کردن می‌شود. تالاب هشیلان جان می‌دهد برای یک سریال پراشک و آه تلویزیونی؛ اما هیچ وقت نمی‌تواند به یاد ماندنی باشد. به نظر هم نمی‌رسد چنین ادعایی هم داشته باشد. اثری است برای دیدن در سال ۱۳۹۸ و لاغیر؛ هر چند موضوع آن همیشه جذاب مخاطب است با کمی به‌روز کردن. ■



عکس از ضیاصفویان

هدیانه‌ای ناگام

درباره نمایش «کوچه مختار بود و ساسان بود و سیمین»
به کارگردانی جواد صداقت و الهام ابنی



نوشته نیلوفر تانی



«کوچه مختار بود و...» نمایشی از گروه بوشهری با متنی از رضا گشتاسب درام‌پرداز مطرح یاسوجی است که نمایشنامه‌های متعددی با نگاهی به جنگ و دفاع مقدس دارد. و این بار از نگاه بازمانده‌ای روایت می‌شود که خانواده و شاگردانش را در جنگ از دست داده است.

اجرا دکور پر حجم و جذابی دارد؛ شبیه کلبه‌ای چوبی و با کفی بالاتر از سطح زمین، افق دید خاصی را برای مخاطب ایجاد می‌کند که همین ارتفاع، در ظرف کارکردی نمایش، معنا ساز است. چرا که درام نیز غیرخطی و بر خطوطی غیر موازی و تعلیقی بی‌ریزی شده است.

متن از همان ابتدا، تعلیق، تکرار و فضای هذیان‌گویی را نشان می‌دهد که از تراوشات ذهنی مخدوش مردی نشأت می‌گیرد که ناشی از ترس و هراسی است که حتی جنبه‌های پارانویا دارد بویژه در جابه‌جایی کاراکترها، از نقش زن و مرد داستان، این وضعیت بغرنج‌تر می‌شود. تا اواسط اجرا، همچنان گنگی و نامرتبلی دیالوگ‌ها با حفظ همان وضع آشفته کاراکتر اصلی، پی گرفته می‌شود و از جایی که درام شکل خطی‌تری پیدا می‌کند و مکالمه‌های بین دو شخصیت هویت‌مند در می‌گیرد، ماجرا روشن و ربط‌ها، بارزتر می‌شوند و مخاطب در جریان اتفاقاتی قرار می‌گیرد که از فاجعه‌ای به‌نام جنگ رخ داده است.

داستان درباره مردی است که در گذشته معلم تاریخ بوده و سخت‌گیری‌های بسیاری نسبت به دانش‌آموزانش داشته است، که بعداً برخی از آنان در همان سن تحصیل، در جبهه شهید می‌شوند؛ او همسر و تنها پسرش را در سانحه هوایی‌های مسافری که توسط ناو امریکایی در تیر ۶۷ سرنگون شد، از دست داده و حالا در تنهایی خود، درگیر توهمات شدیدی است و اختلال حواس و روان پیدا کرده. ضربه و شوک از دست دادن خانواده، بر او چنان بوده که تمام مدت در خاطرات گذشته، با عذاب وجدانی شدید سیر می‌کند و آنچه را پیش آمده، نتیجه سخت‌گیری‌ها و انضباط شدیدش نسبت به دانش‌آموزان و دیگران، می‌پندارد. سیمین، دختری که در گذشته هم‌بازی و هم‌کوچه‌ای پسر مرد بوده در خانه از او مراقبت می‌کند و اتفاقات، از مرور خاطرات آنها با هم، روشن می‌شود. نمایش «کوچه مختار بود و...»، ادای دینی است به شهدای جنگ هشت‌ساله که در سنین نوجوانی و تحصیل، به جنگ رفته و شهید شده‌اند و در گذشت افراد غیرنظامی در حواشی این فجایع، متن هر چند ریتم و پرداختی مشوش دارد و در نظر دارد به مرور گره‌ها را در فضایی وهم‌آلود و هراس‌انگیز باز کند اما آنچه نتیجه این گره‌گشایی است، چندان غافلگیرکننده نیست که مخاطب را در لحظه به شهود و ادراکی خاص از وضعیت پیش‌رو، عمق مصیبت و فاجعه مورد نظر او دارد؛ ضربه فقدان و از دست دادن نزدیکترین افراد خانواده، هر چند با پیچیدگی بیان می‌شود اما کم‌رمق است

و نقطه‌گذاری نیروهای متن، در اجرا، به خوبی پرداخت و در جای خود قرار ندارند. نوع قصه‌گویی و روایت، از زاویه دیگری به جنگ و صدمات ناشی از آن و آسیب‌های روحی و روانی بازماندگان است، اما در اجرا نیاز به ریتم و عمق بیشتری دارد، بویژه تمرکز بر این سوز، که در شرایط بحرانی و جنگی و حتی پس از آن، چه بر سر بازماندگان آنان می‌آید، کمتر پرداخت شده و می‌توانست درخشان‌تر بازنمایی شود. بازی و کارگردانی الهام ابنی و جواد صداقت در فضا سازی پرسوناژ هذیان‌گوی قابل تقدیر است اما در مجموع آنچه در زیربنا و پرداخت نهایی عرضه می‌شود، تجربه‌ای ویژه که درگیرکننده و حتی نزدیک به کاتارسیس ارسطویی باشد، محسوب نمی‌شود. ■

عکس از سارا ثقفی

عکس‌ها از تیتوال



اصغر نوری در گفت و گو با «ایران»:

جشنواره تئاتر فجر باید غیر رقابتی بشود

گفت و گوها از سید حسین رسولی



اصغر نوری بانمایش «ستاره شناس» به نویسندگی دیدیه ون کولاتر و بازی احمد ساعتچیان، سهیلا صالحی و غزاله رشیدی در سی و هشتمین جشنواره تئاتر فجر میزبان تئاتر دوستان بود. این نمایش در تئاتر شهر هم اجرا رفته بود که با استقبال تماشاگران مواجه شد. داستان نمایش در یک مطب روانکاو روی می شود. دوزن به مطب آمده اند تا توسط پزشک روانکاو شوند اما متوجه می شوند که به هر دو آنان دقیقاً در یک ساعت وقت مشاوره داده شده است و بعد متوجه می شوند که اصلاً روانکاو در کار نیست و قرار است «خود روانکاو» کنند و بایکدیگر حرف بزنند.

آقای نوری عزیز خیلی خوشحالیم که دوباره اجرای نمایش «ستاره شناس» را می بینیم چون هنرمند خوبمان آقای احمد ساعتچیان هم در آن بازی دارد. اگر امکان دارد درباره ایده و مضمون نمایش بگویید.

ایده اصلی نمایش «ستاره شناس» درباره تنهایی آدم هاست. اغلب افراد نمی دانند در یک رابطه یا زندگی اجتماعی چه می خواهند. در جامعه ما هم افرادی را می بینیم که مشکل هایی دارند یا دچار افسردگی هستند اما دقیقاً نمی دانند از چه ناراحت هستند یا دلیل افسردگی شان چیست؛ فرآیند درمان هم برای این افراد سخت خواهد بود. این نمایش در عین اینکه معضلات اجتماعی را به تصویر می کشد، کاری با مزه است و در واقع با زبانی کمیک از یک تراژدی حرف می زند. نمایش «ستاره شناس» به مسائل انسان مدرن و اکنون می پردازد. این کار درباره تنهایی، هویت و مسأله زمان است. روابط انسانی در نمایشنامه خیلی مهم است و اینکه چرا ما به سمت و سوی رابطه با افرادی دیگر می رویم؟ و اصلاً به دنبال چه هستیم؟ اساساً ترس از تنهایی برای همه ما ترسناک است. برای نمایشنامه دو تا معیار داریم. نخست، متن باید از هر لحاظ قابل اجرا باشد. دوم، متن باید یک پیشنهاد تازه برای علاقه مندان به نمایشنامه نویسی داشته باشد. من همیشه متنی را انتخاب می کنم که به درد جامعه ایران بخورد. نمایشنامه «ستاره شناس» برای اولین بار در سال ۹۴ منتشر شد.

جشنواره تئاتر فجر را چگونه می بینید؟

جشنواره تئاتر فجر غیر موضوعی است ولی باز خوانی و باز بینی دارد. این جشنواره تنها جشنواره ای در ایران است که تمام سلیق را گرد هم می آورد. بعد از این جشنواره هم جشنواره تئاتر دانشگاهی است که بسیار شریف است. خیلی از هنرمندان ایران مدیون جشنواره تئاتر فجر هستند چون در این جشنواره دیده شده اند. هنرمندان مستقلی هم داریم که در این فضا نیستند و دوست دارند آثار مورد علاقه خود را تولید کنند. با این حال تنها جشنواره حرفه ای تئاتر ایران، جشنواره تئاتر فجر است. ما هنرمندانی داریم که به دهه چهارم زندگی خود رسیده اند و شهرت خود را مدیون حضور در جشنواره هستند. قوانین گذشته اینگونه بود که وقتی می خواستید اجرای عمومی بگیرید باید در جشنواره شرکت می کردید. در آن روزگار، مرکز هنرهای نمایشی، حمایت مالی خوبی داشت. باید ارزش پول را در نظر بگیریم. جالب است که مثلاً ۱۰ سال پیش ۶۰ میلیون تومان به یک کارگردان برای تولید تئاتر می دادند. این کارها به راحتی تولید می شدند و اصلاً هم مهم نبود که فروش خواهند داشت یا نه. مرکز هنرهای نمایشی مدتی است که تهیه کننده نیست و تنها کمک هزینه می دهد. این کمک ها ناچیز است و شاید یک پنجم هزینه های تولید را پوشش بدهد. تغییر دیگر این است که جشنواره تئاتر فجر هم گلچینی از اجراهای سال گذشته شده است. هنرمندان قدیمی هم انگیزه خود را از دست دادند. این جشنواره در تلاش است

تا استعداد های جوان را معرفی کند. اگر به ۱۰ سال اخیر جشنواره تئاتر فجر نگاه کنید، می بینید که اکثر هنرمندان جوان در آن موفق بودند و پیش از آن در جشنواره تئاتر دانشگاهی مشغول بودند. مسابقه جشنواره تئاتر فجر در دست جوانان است. البته یکسری پیشکسوت هم به عنوان میهمان در جشنواره شرکت می کنند. گروه های دیگری هم هستند که اجرای خارج از مسابقه دارند. جشنواره تئاتر فجر تبدیل به ویترین تئاتر ایران شده چون تنها جشنواره غیر موضوعی ایران است. اگر بخواهیم مقایسه کنیم باید این جشنواره را با جشنواره های بزرگ دنیا مقایسه کنیم. باید به جشنواره های ادینبورو و آوینیون توجه کنیم. مسئولان این جشنواره ها به آثار از پیش تولید شده توجه دارند و در کنارش به برخی کارگردانان هم سفارش تولید کار می دهند. جشنواره آوینیون در هر سال اجزایی خود به یک یا دو کارگردان توجه جدی دارد. این کارگردانان هم از یک سال پیش قرارداد تولید کارشان را بسته اند. بخش «خارج از اصلی» (بخش جنبی) هم در این جشنواره ها هست. شما باید با سالن های جنبی و خصوصی حاضر در جشنواره قرارداد ببندید. جشنواره هم حمایت می کند تا ویزا بگیرید و اسکان شمارا انجام می دهد. جشنواره های کوچکی هم در شهرهای مختلف دنیا داریم و من هم در این جشنواره ها حاضر بودم مثلاً در جشنواره شکسپیر در شهر تورن فرانسه شرکت کردم. شهر فلپاخ آلمان هم یک جشنواره به اسم «بوته بوته» دارد و در آن هم شرکت کردم. اغلب این جشنواره ها از حمایت شهرداری ها بهره می برند. گروه های حرفه ای و آماتور در کنار هم قرار می گیرند و هدف هم رویداد تئاتر است. اداره های فرهنگ هم کمک می کنند. این جشنواره ها کاملاً شبیه جشن هستند و در آنها همه چیز از سرگرمی بگیرد تا هنر هست. اغلب گروه های بزرگ تئاتری در اروپا کار خود را از جشنواره های کوچک محلی شروع می کنند و بعد به جشنواره های بزرگ می روند. به نظر من جشنواره تئاتر فجر با جشنواره های اروپایی تفاوت های جدی دارد. آسیب اصلی جشنواره فجر مربوط به رقابتی بودن آن است. شاید این بخش باعث انگیزه بشود و باعث شهرت هنرمندان شده است ولی گروه هایی که جایزه نمی گیرند لشکری شکست خورده هستند. انگار که دیگر اهمیتی ندارند. فکر می کنم جشنواره تئاتر فجر باید غیر رقابتی بشود. این جشنواره می تواند ویترین یک سال تئاتر ایران باشد و به کارگردانان جوان فرصت دیده شدن بدهد. فرض کنید اگر جشنواره، بخشی از بودجه خود را در اختیار دکتر علی رفیعی بگذارد و بخشی دیگر را هم در اختیار چند کارگردان جوان تا آثاری تولید کنند، باعث چه انگیزه و جذابیتی خواهد شد! یک بخش هم داشته باشد که کارنامه یک ساله تئاتر ایران را نمایش بدهد اینگونه یک مخاطب علاقه مند شهرستانی می تواند تمام کارهای خوب را تماشا کند. علاوه بر این، ما باید به سوی جشنواره های محلی با کیفیت و مستقل برویم. به نظر من بخش خصوصی باید وارد شود و هویت مشخصی هم داشته باشند. جشنواره تئاتر آوینیون به سلیق همه توجه دارد ولی بیشتر جشنواره های دیگر رویکردی مشخص دارند. من به یک جشنواره رفتم که مختص به اقتباس از آثار شکسپیر بود. اگر این جشنواره ها شکل بگیرند تئاتر ایران خیلی رشد خواهد کرد. اکثر جشنواره های تئاتر در ایران رویکرد عقیدتی و سیاسی دارند. فکر می کنم جشنواره ها باید تخصصی شوند که این کار شاید وظیفه بخش خصوصی باشد. بخش خصوصی می تواند از هنرمندان تئاتر استفاده کند تا جشنواره ای مستقل وبا کیفیت شکل بدهد. ■

عمادالدین رجب‌لودر گفت و گوبا «ایران»:

هیچ کس ما را نمی‌بیند



نمایش «متساوی الساقین» به نویسندگی و کارگردانی عمادالدین رجب‌لودر شهر گرگان به بخش مسابقه صحنه‌ای سی و هشتمین جشنواره تئاتر فجر راه یافته است. این نمایش در بستر رئالیستی اجرایی می‌شود و به زندگی چند جوان در مدرسه‌ای دخترانه می‌پردازد. رجب‌لودر کارگردانان موفق شهر گرگان است که پیش از این هم نمایش‌های موفق تولید کرده است. ما با او در رابطه با نمایش «متساوی الساقین» و وضعیت تئاتر استان گلستان گفت و گو کرده ایم که در ادامه می‌خوانید.

اگر امکان دارد درباره نمایش «متساوی الساقین» بگویید. ایده اجرایی شما از کجا شروع شد؟

سوزه نمایش از صحبت‌هایی که با دوستانم داشتم شکل گرفت. مادر یکی از دوستان در مدرسه‌ای کار می‌کرد و داستانی عجیب را تعریف کرده بود. البته چون قصه لومی رود نباید آن را تعریف کنم. حادثه‌ای عجیب در یک مدرسه رخ می‌دهد که در رابطه با یک جنین است. من وقتی این داستان را شنیدم دیگر نتوانستم مقاومت کنم و خیلی درگیرش شدم. مشغول نوشتن نمایشنامه‌های سورئال بودم و پس از شنیدن این داستان کلاً آن را کنار گذاشتم. این سوزه جدید را پرورش دادم و مدت زمان نوشتن متن هم طولانی بود. این کار بارها هم بازنویسی شده است. یک بار هم با گروهی متفاوت تمرین کردم ولی کار در نیامد و آن تیم را عوض کردم. شرایط کاری مناسبی نداشتیم ولی تلاش کردیم کیفیت مناسبی در اجرا داشته باشیم. من هر آن چیزی را که در تئاتر یاد گرفته‌ام در این نمایش پیاده کردم. این کار من کاملاً رئالیستی است از دکور تا لباس و کارگردانی. البته زمان تمرین ما خیلی کم بود ولی خیلی تلاش کردیم تا کیفیت اجرا بالا باشد.

از خودتان هم بگویید.

من زندگی سختی داشتم و نتوانستم وارد دانشگاه بشوم و تئاتر بخوانم و در این رشته تحصیلات عالی داشته باشم. برادر من در تئاتر فعالیت می‌کرد و این موضوع خیلی به من کمک کرد. البته من اول در تله فیلم و تلویزیون مشغول شدم ولی بعد در تئاتر بازی کردم پس از مدتی هم بازیگری را کنار گذاشتم. علاقه اصلی من بیشتر نوشتن و کارگردانی است. خیلی از بچه‌های شهرستان تعداد زیادی کار تئاتر دارند ولی به عنوان رزومه محسوب نمی‌شود و کسی هم آنان را نمی‌شناسد. من خودم بیش از ۳۰ کار تئاتر دارم ولی کسی مرا نمی‌شناسد و در تهران هم می‌گویند شما هیچ رزومه‌ای ندارید.

این همه جوان با استعداد و زحمتمکش در شهرستان‌ها هستند که مشغول تئاتر و هنرهای دیگر هستند ولی کسی آنان را نمی‌بیند و همه چیز هم معطوف به تهران شده است. انگار سلبریتی‌ها تمام رسانه‌ها را خورده‌اند. به نظر من بچه‌های شهرستانی باید بیشتر به رسانه‌ها توجه کنند و در مورد کارهایشان اطلاع‌رسانی کنند.

ما هیچ رسانه‌ای نداریم البته سایت ایران تئاتر درگاهی دربار تئاتر گرگان در نظر گرفته است که می‌خواهند فعالیت‌های تئاتری ما را ثبت کنند و خیلی خوب است.

امکان‌ات در شهر گرگان چگونه است؟

ما سالنی در گرگان داریم که دومین سالن خاورمیانه است. امکان‌ات سخت‌افزاری خوبی داریم ولی همه چیز لبه تیغ است. تئاتری‌ها هوای یکدیگر را ندارند. مرا خیلی اذیت کردند. ما مدت‌ها تمرین کردیم و وقت گذاشتیم ولی تئاتری‌ها ما را اذیت کردند.

محیط تئاتری این شهر کوچک است. چند ماهی است در استان گلستان کارهای تئاتر کنسل می‌شود! سانسورها خیلی زیاد است. تفسیرهای دلخواهی و شخصی می‌کنند. جالب است بدانید که ۴۳ مورد ممیزی به کار «متساوی الساقین» وارد شده است. **یعنی تئاتری‌های گرگان درگیر حسادت و خودزنی شده‌اند؟**

بله. این‌گونه است. ارگان‌های رسمی و دولتی هم دیگر کمک مالی نمی‌کنند. مسئولان استانی باید از کارها حمایت کنند. ما با جیب خالی و هزار بدبختی به تهران آمدم. حتی جای خواب و غذا نداشتیم. تئاتر کار کردن خیلی سخت شده است و کسی هم دیگر حمایت نمی‌کند. سازمان‌های مختلف از جمله شهرداری و ارشاد و حوزه هنری و بنیاد شهید هم کمک نمی‌کنند. من پیر شدم تا توانستم ۳ میلیون تومان کمک هزینه بگیرم. تئاتر کار کردن خرج دارد و مثل شغل است اما مدیران استانی توجهی به زندگی ما ندارند.

وضعیت نقد تئاتر در گرگان چگونه است؟

آقای فرشید مصدق از بزرگان طراحی نور است و وارد حوزه نقد و تحلیل تئاتر هم شده‌اند. چند سالی می‌شود که آقای مصدق در گرگان زندگی می‌کنند و نقدهای حرفه‌ای هم می‌نویسند اما گروه‌های دیگر تنها دنبال تخریب هستند. فکر می‌کنم سواد دوستان در این زمینه کم است. اگر منتقدی سواد بالا و ادب کافی داشته باشد به سوی نقدهای سازنده می‌رود. نیما صفار هم در گرگان هست که نقدهای خوبی می‌نویسد.

مخاطب استان گلستان چگونه است؟

من در زمینه مخاطب خیلی حرف دارم. من ۶ ماه تمرین می‌کنم ولی تنها ۴ شب اجرا می‌دهند. جالب است که بیشترین زمان اجرا در گرگان ۱۲ شب است. خنده‌دار نیست؟ تهرانی‌ها فقط اجراهای بالای ۱۵ شب و ۲۰ شب را در رزومه لحاظ می‌کنند. بیشتر سالن‌ها هم در اختیار کنسرت‌های موسیقی است. ما نمی‌توانیم در زمینه دکور کارهای مفیدی داشته باشیم چون ما را شب‌ها از سالن بیرون می‌کنند و دیگر نمی‌توانید دکور را برسانید. تئاتر باید هر شب در سالن‌های گرگان اجرا برود ولی این‌گونه نیست.

باید تماشاگر را عادت به تئاتر دیدن کنیم. در تهران شاهد هستیم که تئاترهای آزاد هم براحتی پشت سر هم اجرا می‌روند و برخی خانواده‌ها هم جمعه‌ها به دیدن این آثار می‌روند. سالن اصلی تالار فخرالدین اسعدگرگانی خیلی خوب است و برخی کارها هم در اینجا فروش خوبی داشتند ولی من بیشتر در بلک باکس اجرا می‌روم. بعضی‌ها در ۱۲ شب اجرا ۴۰ میلیون تومان درآمد داشتند ولی کارهای من درآمدی در حدود ۲ میلیون تومان داشته است چون بیشتر به هنر تئاتر فکر می‌کنم تا فروش. با این حال، اجراهای من در بیشتر جشنواره‌ها موفق بوده است. من با کار قبلی‌ام به چندین جشنواره رفتم که در حدود ۴۵ جایزه گرفتیم. یک هم‌چین کار موفق در گرگان نتوانست اجرای عمومی درست و حسابی داشته باشد. باید به ما حداقل یک ماه اجرای عموم بدهند. قیمت بلیت‌ها هم در گرگان از ۷ هزار تومان تا ۱۰ هزار تومان است. موفقیت تئاتر در گرگان به همه چیز بستگی دارد. مخاطب گرگان را نمی‌شود با تهران مقایسه کرد چون در این شهر تئاتری نیست. اغلب تئاترها هم سفارشی و سازمانی هستند و مخاطب چندانی هم ندارند. شهر مشهد در زمینه تئاتر خیلی پیشرفت کرده است ولی گرگان عقب مانده است. هیچ کس ما را نمی‌بیند. ■

و چون نوید محمدزاده تأثیرگذار بوده است

پرنیا شمس: «آقای نوید محمدزاده در جشنواره دانشجویی کار ما را دیدند و از قبل تصمیم داشتند که تهیه کنندگی آثاری که از دیدشان خوب باشد را بر عهده بگیرند، قطعاً وجودشان خیلی تأثیرگذار بوده چه از نظر مالی و چه سایر مسائل، کمک زیادی به ما کرد و بعد از اتمام کار تهیه کنندگی کار را پذیرفتند. به لطف خدا از اجرای ما استقبال شد و در رابطه با سایر آثار من شاهد بوده‌ام که استقبال تماشاگران خیلی خوب بوده به طوری که اغلب سالن‌ها پر می‌شود؛ اما نمی‌دانم چه اتفاقی می‌افتد که از برخی کارهای خوب خیلی بد تماشاگر زیادی دارند.»

کارگردان نمایش «است» درباره حضور نوید محمدزاده به عنوان تهیه‌کننده در اجرایش توضیح داد.



کارگردان نمایش «است» درباره حضور نوید محمدزاده به عنوان تهیه‌کننده در اجرایش توضیح داد.

هنرمندان نباید حوزه فرهنگ و هنر را ترک کنند

بهروز نیقی: «شرایط مانسبت به سال گذشته در زمینه حوزه فرهنگ و هنر تغییر نکرده است، آنچه امسال شاهد آن بودیم در هر مملکتی و در شرایطی خاص پیش می‌آید اما جامعه فرهنگی و هنری کشور نباید اجازه دهد برخی از اتفاقات مانع رشد و تعالی خود و هنر شود. هنرمندان هیچگاه نباید حوزه هنر و فرهنگ را رها کنند. اهالی هنر باید ممدل ترک کنند، چرا که هنر می‌تواند همواره راهگشا باشد. اهالی هنر باید ممدل باشند، امیدوارم تفکر و نگاه صحیح و درستی به موضوعات داشته باشیم.»

بازنگر پیشکسوت تئاتر، سینما و تلویزیون پیامی خطاب به اهالی تئاتر منتشر کرد.



بسیار بر رفتن رفتگی هستیم

فریبا متخصص: «من در انتخاب یک اثر بسیار بر متن مکی هستم و به آن توجه می‌کنم، بیشتر دوست دارم اثر قصه داشته باشد زیرا مخاطب هم در وهله اول قصه را دنبال می‌کند. در جلسات انتخاب نیز هر اثری که قصه بیشتری داشت و به لحاظ دراماتیک قوی‌تر بود، مدنظر قرار می‌دادم. در انتخاب آثار همچنین قبولی به آن لطمه می‌برد. این متن خوب حتی بازیگران آماتور را با خود همراه می‌کند و آنها هم می‌توانند با تمرین زیاد آن را قابل قبول بازی کنند اما متن بد با بازیگر خوب هم راه به جایی نمی‌برد.»

عضو هیأت انتخاب بخش رادیو تئاتر، سی و هشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر درباره انتخاب آثار این دوره توضیح داد.



چهره‌ها و حرف‌ها

نمایش‌های خارجی الهام‌بخش بوده‌اند

سامان خلیلیان: «واقعیت این است که حضور نمایش‌های خبیانی دیگر کشورها اغلب برای این عرصه همواره مؤثر واقع شده است. حضور چنین گروه‌هایی را در حقیقت می‌شود یک جور کلاس درس به حساب آورد و هر اندازه که بتوانیم امکان حضور این تجربه‌ها را در جشنواره ملیمان فراهم کنیم، به توانمندی‌های گروه‌های نمایشی مان از لحاظ پروداکشن و تکنولوژی افزوده خواهد شد. بازار تئاتر جشنواره محدودیتی برای حضور گروه‌های تئاتر خبیانی قابل نشده است. معضل مهمی که در این ارتباط آن جریان‌سازی حوزه تئاتر چنان که باید دنبال نشده است.»

مدیر بخش نمایش‌های خبیانی سی و هشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر درباره حضور گروه‌های خارجی در بخش تئاتر خبیانی جشنواره فجر توضیح داد.



کیفیت آثار بالا نرفته است

ابراهیم حسینی: «امسال به گفته داوران، در این بخش از جشنواره کیفیت آثار نسبت به سال‌های گذشته بالاتر رفته است چرا که تأثیر گذارنده است. بخش مسابقه و نمایشگاه جشنواره یازدهمین سال حضورش در سی و هشتمین سال بعد از جشنواره تئاتر فجر تجربه می‌کند و ما هر کسی در این بخش موضوع بر کیفیت کارها و جشنواره نیز به تعهداتش عمل کرده و سر زمان خود است و نیازی نیست که بی‌جهت به آن پال و پود هم بلند پروازی بی دلیل داشته باشیم.»

دبیر بخش مسابقه و نمایشگاه پوستر سی و هشتمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر نسبت به کیفیت آثار بخش مسابقه و نمایشگاه پوستر واکنش نشان داد.

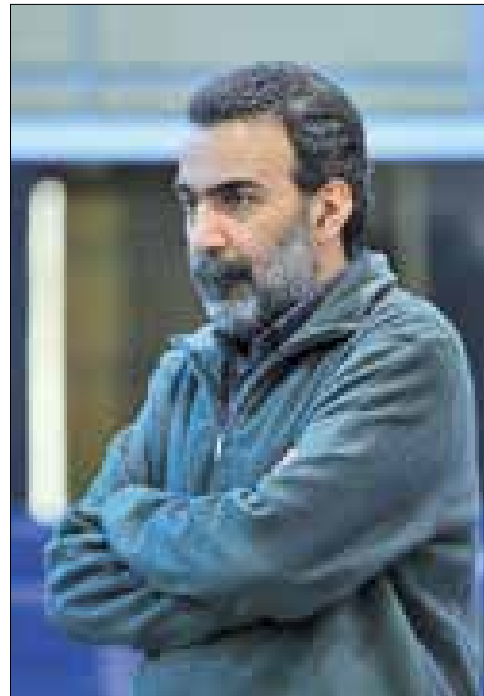


چندان علاقه‌مند نیستیم تا توضیحی بدهیم

رضا مولایی: «چندان علاقه‌مند نیستیم تا درباره سبک و فضای نمایشی مواجه نشود و پروا داشته نگاه خود را نسبت به تابلوها داشته باشند و رای‌نگاه و رویکرد من تلفیق کند. خوشبختانه در اجرای عمومی این نمایش، استقبال خوبی از سوی مخاطبان صورت گرفته و بازخوردهای مطلوبی نیز از تماشاگران دریافت کرده‌ایم. در اجرای این اثر سعی مان بر این بوده تا همه چیز درست و دقیق پیش رود.»

کارگردان نمایش «مردی که...» درباره نمایش خود توضیحاتی داده است.





نمایشنامه‌نویسی محبوب، نمایشنامه‌نویسی منحوس

نوشته احسان زیور عالم

هنری و دراماتیزه کردن مستقیماً به‌عنوان نمایشنامه روی کاغذ می‌آورد که این مسأله منجر به نابودی رئالیسم خواهد شد در حالی که ما را به سمت ناتورالیسم نیز سوق نمی‌دهد و فضا را تنگ خواهد کرد. بسیاری از این فرمول پیروی کرده و سعی می‌کنند با حذف فیلتر خلاقیت هنری، رئالیستی و مستندگونه بنویسند. در حالی که نمایشنامه نباید حتماً نمونه بیرونی داشته باشد و نمایشنامه‌نویس باید کلمات و زبان کاراکتر را گرفته و از فیلتر نمایشنامه‌نویسی بگذراند و آن را بازسازی کند. متأسفانه اکنون نمایشنامه‌نویسان جوان همچون رادیو و تلویزیون ساده‌ترین راه ممکن را انتخاب می‌کنند و به مخاطب نشان می‌دهند. این مسأله عارضه سنگینی است که اجازه نمی‌دهد ایده‌ها رشد کند و تئاتر در حال تبدیل شدن به یک سلیقه روزمره است. در میان آثار رسیده ایده‌های درخشانی دیده می‌شود که به دلیل نبود آموزش از مرز ایده عبور نمی‌کنند و به جای درستی متصل نمی‌شوند.»

آنچه محمد چرمشیر بدان اعتراض دارد، روشی است که امیررضا کوهستانی در جلسه خود با گروهی از جوانان آموزش می‌دهد. او می‌گوید برای نوشتن متون صدای مردم را ضبط می‌کند تا با همان ادبیات آنها را بنویسد. روشی که از قضا در جشنواره تئاتر فجر بسیار محبوب است. روش مستندنگارانه‌ای که حداقل مونا احمدی و مهدی ضیاچمنی در دو سال گذشته بابتش تندیس گرفته‌اند. حالاً وضعیت پارادوکسیکال می‌شود. اینکه نمایشنامه‌نویسی ایران حداقل از سوی قاضیان چه وضعیتی باید داشته باشد. از سویی شیوه ضددیالوگی در حال گسترش است و از سوی دیگر شیوه شبه‌مستند کوهستانی بر شیوه ضددراماتیک چرمشیر غلبه کرده است؛ اما در نهایت این داستان‌گویی «لانچر پنچ» است که می‌فروشد، همان شیوه محبوب در غرب که جشنواره تئاتر فجر بدان اهمیتی نمی‌دهد. ■

می‌افتد. اساساً تئاتر ایران به مونولوگی بزرگ تبدیل شده است. تئاتر نمی‌خواهد خودش را با هنرهای دیگر همراه کند.» به‌واقع بخش مهمی از مشکل نمایشنامه‌نویسی امروز ایران به‌همین گفتار مهندس پور بازمی‌گردد. اینکه تئاتر عاری از گفت‌وگو شده است و این فقدان گفت‌وگو اساساً از دل نمایشنامه برمی‌آید. میل به تولید تئاتر بدون متن به یک اصل بدل شده است. اتکا به ذهنیت و پیش رفتن بر مبنای تجربه درون گروهی، تئاتر ایران را به برهوت برده است. تمرکز بر مرگ نمایشنامه‌نویسی منجر به موفقیت بارقه‌های اندک شده است. برای مثال در شش ماه گذشته موفقیت «لانچر پنچ» بیش از هر چیزی مرهون متن جذاب آن بوده است. جالب اینکه متن این نمایشنامه جایزه فجر نمی‌گیرد و داوران به متنی جایزه می‌دهند که اقبال عمومی پیدا نمی‌کند.

محمد چرمشیر سال گذشته در نشست با موضوع نمایشنامه‌نویسی جشنواره تئاتر فجر گفت: «اگر این تعداد جمع شدند و نمایشنامه‌ای را نوشتند به دنبال آن نیستیم که ساختارشان چیست. آنها ایده و حرف‌هایی دارند که سعی می‌کنند تا آن را بگویند. تعداد اندکی از آنها آموخته دارند تا به ساختار بنگرند مابقی ایده‌هایشان به منظر نمایش هم نزدیک نشده و این مشکل اساسی است.»

وی در جایی دیگر می‌گوید: «مایلم هستم تا به مشکلاتی که در عرصه نمایشنامه‌نویسی با آن مواجه هستیم و بسیار خطرناک است و ممکن است به کل بدنه تئاتر و ادبیات نمایشی کشور آسیب وارد کند، بپردازم. در آثار رسیده متوجه نکته خطرناکی شدم و آن ادبیاتی است متکی بر یک رئالیسم نامفهوم که شاید برآمده از جریان‌های اجتماعی است که این اتفاق در دهه سی نیز رخ داده است. نویسنده با ادراکات و تجربه‌های روز خود هر آنچه را که در اطرافش رخ داده است بدون استفاده از فیلتر خلاقیت

میل به داشتن نمایشنامه ایرانی یک آرمان است. آرمان بیشتر دبیران جشنواره فجر و سیاستگذاران فرهنگی. تلاش‌ها برای نشر و توزیع متون فارسی چنان زیاد بود که انتشارات نمایش در دهه شصت و هفتاد وظیفه سنگینی برعهده گرفت. مهرداد رایانی مخصوص که مدت‌هاست مسئولیت پژوهش‌های اداره کل هنرهای نمایشی را برعهده گرفته است، در طول شش ماه گذشته به‌طور متناوب تصویری از نمایشنامه‌های منتشر شده این نشر را به اشتراک می‌گذارد. نمایشنامه‌هایی که عموماً در دل جشنواره تئاتر فجر تولید شده بود. جشنواره سکویی برای معرفی نمایشنامه‌نویسان پس از انقلاب بود. از چرمشیر و امجد گرفته تا نادری و تهرانی و این روزها شاید چهره شاخص‌اش پیام لاریان باشد. سه جایزه فجر متوالی، تنها یک رکورد نیست؛ بلکه نشان از یک وضعیت دارد. اینکه نمایشنامه‌نویسی در ایران به یک رکود رسیده است. قلم‌ها نمی‌توانند بسط پیدا کنند و تمام تلاش‌های دولتی به چند نام ختم شده است.

اردیبهشت سال ۱۳۹۳، فرهاد مهندس پور در مراسم سالانه کانون کارگردانان تئاتر در میان جمعی که محمد چرمشیر نیز در آن حاضر بود اعلام می‌کند «فاجعه‌بار است که تئاتر بیرون از آگاهی‌های اجتماعی رخ می‌دهد و متأسفم که تئاتر خیلی احمق شده است. اهالی تئاتر نسبت به مسائل اجتماعی بی‌توجه هستند. وقتی خودمان گذشته خودمان را مطالعه نمی‌کنیم، مدیریت دولتی تئاتر آن را مطالعه می‌کند.» این گفته‌های مهندس پور در مصاحبه‌ای که با او در بهمن سال گذشته داشتیم نیز تکرار می‌شود. زمانی که به او می‌گویم «سال‌هاست در یادداشت‌هایم می‌نویسم که تئاتر ایران از گفت‌وگو تهی شده است. این تهی شدن نه در جامعه‌ای که من و شما حرف می‌زنیم که این تهی‌شدگی در نمایش‌ها اتفاق



ایران جشنواره شماره ۳
 (ضمیمه روزنامه ایران)
 در جشنواره تئاتر فجر
 صاحب امتیاز:
 خبرگزاری جمهوری اسلامی
 مدیرمسئول:
 مهدی شفیع
 سردبیر: جواد دلیری

دبیر ویژه نامه: خسرو نقیعی
 دبیر تحریریه: بیجی نطنزی
 دبیر عکس: ابوالفضل نسایی
 دبیر اجرایی: جواد عبدی
 مدیر فنی: حجت حکیمی
 صفحه آرایی: دنیا حق شنو، محمد عباس پور
 ویراستاری و حروفچینی: گروه ویراستاری و حروفچینی «ایران»
 لیتوگرافی و چاپ: مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران

نمایش های منتخب سی و هشتمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر

دوشنبه ۱۴ بهمن

راه‌نما

سی و هشتمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر است.

مده

- نویسنده: عزیز نعمتی
 - کارگردان: شبنم یوسفی
 - مکان: ایران شهر
 - زمان: ۱۷ و ۲۰
 - شهر: ارومیه
 - بخش: خارج از صحنه
 - مدت زمان اجرا: ۴۰ دقیقه
- «مده» عنوان یک تراژدی به نویسندگی اورپیید، نمایشنامه نویس یونان باستان است که حکایت زنی است که دچار



کوچه مختار بود...

- نویسنده: رضا گشتاسب
 - کارگردان: جواد صداقت و الهام ابینی
 - مکان: تئاتر شهر - چهارسو
 - زمان: ۱۸:۳۰ و ۲۰:۳۰
 - شهر: بوشهر
 - بخش: خارج از مسابقه
 - مدت زمان اجرا: ۵۰ دقیقه
- رضا گشتاسب از نویسندگان بسیار خوب تئاتر ایران است. او در بیشتر جشنواره های سال های اخیر درخشیده است و توانسته جوایز فراوانی کسب کند. سبک کار او سوررئالیستی است و دیدن کارهایش همیشه جذاب بوده است.

خوابگرد

- نویسنده: نوید ایزدیار
 - کارگردان: امیر کلهری پور
 - مکان: تئاتر شهر - سایه
 - زمان: ۱۷ و ۱۹
 - شهر: آبیگ
 - بخش: خارج از مسابقه
 - مدت زمان اجرا: ۶۵ دقیقه
- از این گروه اطلاعات خاصی نداریم و هم می تواند یک سورپرایز باشد و هم یک اجرای ساده. به هر حال دیدن نمایش هایی که هیچ اطلاعاتی از آنها در دست نیست هم جذاب است.

تالاب هسیلان

- نویسنده: نوشین تبریزی
 - کارگردان: نوشین تبریزی
 - مکان: تئاتر شهر - قشقایی
 - زمان: ۱۷:۳۰ و ۱۹:۳۰
 - شهر: تهران
 - بخش: خارج از مسابقه
 - مدت زمان اجرا: ۶۰ دقیقه
- نمایش «تالاب هسیلان» به تهیه کنندگی محمدعلی محمدی یک درام خانوادگی است که ۱۰ سال پیش نوشته شده و در جشنواره نمایشنامه خوانی مولوی مقام اول نویسندگی را کسب کرده است. البته تالاب هسیلان، نام تالابی هم است که در روستای

هسیلان در بخش مرکزی شهرستان کرمانشاه استان کرمانشاه قرار دارد.

رسن های گور

- نویسنده: باقر سروش
 - کارگردان: کامران جباری
 - مکان: تالار مولوی
 - زمان: ۱۷ و ۱۹
 - شهر: بیجار
 - بخش: مسابقه صحنه ای
 - مدت زمان اجرا: ۶۰ دقیقه
- نمایش «رسن های گور» نمایشی از آثار برگزیده سی امین جشنواره تئاتر استان کردستان، جزو نمایش های منتخب جشنواره های تئاتر استان ها در بخش رقابتی

شازده احتجاب

- نویسنده: افشین زمانی
 - کارگردان: افشین زمانی
 - مکان: ایران شهر
 - زمان: ۱۸ و ۲۰:۴۵
 - شهر: تهران
 - بخش: مسابقه صحنه ای
 - مدت زمان اجرا: ۷۵ دقیقه
- افشین زمانی از کارگردانان خوب جوان تئاتر است که یکی از اجراهای او به نام «خاطره هنرپیشه نقش دوم» به نویسندگی بهرام بیضایی آنقدر موفق بود که جایزه فجر را برای او به ارمغان آورد.

- زمان: ۱۹
- شهر: تهران
- بخش: مسابقه صحنه ای
- مدت زمان اجرا: ۱۲۰ دقیقه

این نمایش مرز باریکی میان سینما و تئاتر است. یک دکور واقع گرا و شاید هاپیرئال که در دلش زندگی یک زوج روایت می شود. کمی بوی جنایت می دهد و از سوی دیگر بوی عشقی در حال پوسیدن. اگر دوست دارید نوید محمدزاده ای را ببینید که به هیچ عنوان تشخیص اش ندهید، این نمایش تازه مساوات را از دست ندهید. کارگردان جوانی که در هر نمایش خود، یک کالت می سازد.

بیگانه در خانه

- نویسنده: سید محمد مساوات
- کارگردان: سید محمد مساوات
- مکان: سالن اصلی تئاتر شهر

بدنهادی و سیاه دلی می شود که عزیز نعمتی آن را اقتباس کرده است. مده آرنی است که با قلبی آکنده از کینه و بی رحمی عزیزانش را به نیستی می کشاند. داستان این زن تاحدی بر یکی از افسانه های یونان باستان استوار است و برای شناخت بیشتر قهرمان سیاه دل این نمایشنامه باید ابتدا «مده» افسونگر افسانه ای اساطیر یونان باستان را شناخت.

مانداب

- نویسنده: فردین افشار فر
 - کارگردان: مهدی کیهان نژاد
 - مکان: نوفل لوشاتو
 - زمان: ۱۹ و ۲۱
 - شهر: تهران
 - بخش: + فجر
 - مدت زمان اجرا: ۷۰ دقیقه
- این نمایش داستان پسر بچه ای را روایت می کند که طی اتفاقاتی مادر خود

باغبان مرگ

- نویسنده: محمد چرمشیر
- کارگردان: مجتبی حیدری
- مکان: ایران تماشا
- زمان: ۱۹
- شهر: برازجان

را کشته و از زادگاهش فراری شده است. او بعد از سال ها برای تهیه گزارشی مجبور می شود به همراه همسرش به محل تولدش برگردد و باز خورد حوادث گذشته در برابرش ظاهر می شود. این نمایش از جمله آثار مورد توجه منتقدان در سالن نوفل لوشاتو بود.

بخش: + فجر

- مدت زمان اجرا: ۵۰ دقیقه
- این نمایش که سال ۹۲ در سالن شمس مؤسسه اکو اجرا شده بود در سال ۹۵ نیز در سالن استاد سمندریان تماشاخانه ایران شهر روی صحنه رفت. در این نمایش با مصاحبه یک قاتل و یک پلیس مواجه هستیم که وارد حوزه روانکاوی هم می شوند.

رکوبیم برای یک راهبه

- نویسنده: آلبر کامو
- کارگردان: روزبه اختری
- مکان: مهرگان



- زمان: ۲۱
- شهر: تهران
- بخش: + فجر
- مدت زمان اجرا: ۹۰ دقیقه

در این نمایش داستان خدمتکار سیاهپوستی روایت می شود که برای قتل فرزند خردسال خانواده مطرح آمریکایی به اعدام محکوم می شود. قطعا تمام کارهای آلبر کامو نویسنده مهم روزهای پس از جنگ جهانی دوم مهم است.

در کشور شما...

- نویسنده: دامون نوروزی
- کارگردان: ندا تمیمی

سایلیت

- نویسنده: محمد جعفری لوفوت
 - کارگردان: احمد نیک قلب
 - مکان: خانه هنرمندان
 - زمان: ۱۷
 - شهر: لاهیجان
 - بخش: خیابانی
 - مدت زمان اجرا: ۲۵ دقیقه
- این نمایش از شمال ایران آمده است و مضمونی اجتماعی دارد. مدت زمان کوتاه آن و مکان مناسب اجرایش به خوبی می تواند شرایط دیدن یک تئاتر را مهیا کند.

بی پیش بی اجاره

- نویسنده: مهسا افتحی
 - کارگردان: میثم سرآبادانی
 - مکان: خانه هنرمندان
 - زمان: ۱۶:۳۰
 - شهر: تفرش
 - بخش: خیابانی
 - مدت زمان اجرا: ۲۵ دقیقه
- خوبی بخش خیابانی این است که آثاری کوتاه در فضای باز خواهید دید. خانه هنرمندان هم جای خوبی برای گذراندن اوقات فراغت و دیدن یک تئاتر خیابانی است.



- کارگردان: مهدی صالحیار
- مکان: تئاتر شهر
- زمان: ۱۶:۳۰
- شهر: تبریز
- بخش: خیابانی
- مدت زمان اجرا: ۲۵ دقیقه

این گروه تبریزی به زینب پاشا از جمله زنان مبارز تبریزی پرداخته است که نامش در نهضت مبارزه با واگذاری امتیاز تنباکو آمده است. او با شرکت کردن در نهضت تحریم توتون و تنباکو و گشودن انبارهای محتکران تبریز در زمان قحطی نان پیشگام بوده است.

- مکان: دیوار چهارم
- زمان: ۱۷:۳۰
- شهر: تهران
- بخش: + فجر
- مدت زمان اجرا: ۶۵ دقیقه

در خلاصه این نمایش آمده است: «لطفا پیش از تماشای این نمایش، خلاصه مسابقه فوتبال ایران و پرتغال را یک بار دیگر نگاه کنید.» به نظر همین خلاصه برای فوتبال دوستان و تئاتر ها جذاب باشد.

زینب پاشا

- نویسنده: مهدی صالحیار